

ای احبای الهی خبر پرمسرت اتحاد و اتفاق احباً در اسکندریه رسید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۱۶

هو الله

اسکندریه

جناب اسمین حاجی آقا محمد جناب محمد علی رشتی جناب محمد حسین یزدی جناب میرزا مجد الدین جناب آقا عبد العلی جناب استاد عبد الغنی خیاط جناب آقا علی یزدی جناب میرزا فضل الله جناب محمد صالح جناب آقا میرزا اسدالله جناب محمد پسر آقا علی علیهم بهاء الله الاهی

هو الله

ای احبای الهی خبر پرمسرت اتحاد و اتفاق احباً در اسکندریه رسید چه خبر خوشی بود که سبب روح و ریحان عبدالبهاء گشت قسم بجمال قدم روحی لاجبائمه المتحدین فدا که فرح و سروری از برای عبدالبهاء نه جز بشارات اتحاد و اتفاق احباً زیرا اس اساس امر الله وحدت و یگانگی و محبت است که باید چنان قلوب و ارواح و انفس احباء الله را احاطه کند که کل عبارت از یک هیكل رحمانی شوند و هر یکی جزئی از اجزا و عضوی از اعضا لهذا باید و شاید سزاوار چنین است که هر یک خود را قربان یکدیگر نمایند و فدائی همدیگر شوند اگر احباً بایستقام بلند اعلی رسند آنوقت جنت ابی در قطب امکان خیمه و خرگاه زند و کوه و دشت و صحرا ریاض ملاً اعلی شود آه و شوق لتلك الموهبة العظمی و ظمأ قلبي لذلك الماء العذب الفرات

ای احبای الهی قدری تأمل و تفکر در عنایات جمال مبارک نمائید که آن ذات مقدس تحمل صد هزار محن و آلام فرمود و ایام مبارکش جمیع بصدمات شدیده گذشت تا آنکه نفوسی مبعوث شوند که در ظل کلمة الله المطاعه آیات توحید گردند و بینات تفرید مظاهر محبت گردند و مطالع انوار الفت از بیگانگی بگذرند و بیگانگی حقائق و نفوس نورانی پی برند علم اتحاد برافرازند و خیمه اتفاق بلند کنند جام صهای وحدت اصلیه در دست گیرند و در انجمن توحید رقص کنان جنود اختلاف را شکست دهند ای احبای الهی آیا از اختلاف در هیچ عهدی ثمری اثری بار و بری لا والله همیشه



ORIGINAL

اختلاف ریشه کائنات را برانداخت و ائتلاف مطموره امکانرا معموره لا مکان نمود قوت جامعه محیط بر قوای قامعه بوده و وحدت قلوب کاشف کروب پس شب و روز تضرع و ابتهال نمائید و از حضرت ذوالجلال طلب صفای قلوب و وفای نفوس کنید اگر یکی از احباً قصوری نمود عفور رب غفور را بخاطر آرید و مخالفت نفس شرور نمائید زیرا نفس در غایت غرور است اعاذنا الله و ایاکم من هذا المغرور زمام از دست گیرد و در میدان طغیان جولان کند چاره جز تضرع و ابتهال نیست و دوائی جز عجز و نیاز نه انّ النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی و علیکم البهآء ع ع